



p30konkor.com

زمان آزمون :

نام درس :

نام آموزشگاه :

عنوان آزمون : جامعه شناسی دهم درس ۱۴ و تاریخ برگزاری

نام و نام خانوادگی :

پایه تحصیلی :

نام دبیر :

۱۵

ردیف	لطفًا پاسخ سوالات را روی همین برگ بنویسید	بارم								
۱	<p>براساس دسته‌بندی ارسطو از انواع حکومت‌ها، جدول زیر را کامل کنید.</p> <table border="1"> <tr> <td rowspan="2">تعداد حاکمان</td><td colspan="2">شیوه حکومتی</td></tr> <tr> <td>براساس فضیلت</td><td>براساس خواست و میل افراد</td></tr> <tr> <td>اکثریت</td><td>الف</td><td>ب</td></tr> </table>	تعداد حاکمان	شیوه حکومتی		براساس فضیلت	براساس خواست و میل افراد	اکثریت	الف	ب	
تعداد حاکمان	شیوه حکومتی									
	براساس فضیلت	براساس خواست و میل افراد								
اکثریت	الف	ب								
۲	یک مثال از موانع، ناهنجاری‌ها و آسیب‌های نهاد خانواده بنویسید.									
۳	یک نمونه از عرصه‌های مشارکت خانواده در جامعه را نام ببرید.									
۴	در آموزه‌های اسلامی، عبادات چه زمانی ارزش بیشتری می‌یابند؟									
۵	براساس هستی‌شناسی توحیدی، اغلب ارزش‌های اجتماعی اسلامی، چه تفسیری دارند؟									
۶	در نظام سیاسی اسلامی ده ارزش اجتماعی اسلامی نام ببرید.									
۷	در نظام اسلامی، احکام و مقررات چگونه شکل می‌گیرند و وسیله شناخت این احکام و مقررات چه هستند؟									
۸	جمهوری اسلامی چه نوع نظام سیاسی است؟ و چه مفهومی دارد؟									
۹	«لیبرال دموکراسی» چه نوع نظام سیاسی است و با کدام فرهنگ سازگاری دارد؟									
۱۰	«لیبرالیسم» و «دموکراسی» به چه معناست؟									



۱۱	شیوه‌های حکومت جامعه خدامحور را از نظر فارابی نام ببرید.
۱۲	شیوه‌های حکومت انسان‌محور از نظر فارابی را نام ببرید.
۱۳	در اندیشه فارابی جوامعی که ارزش‌ها و آرمان‌های آن‌ها، عقلانی و الهی نباشد جوامع ..... هستند.
۱۴	از نظر ارسطو حکومت اکثریت که براساس خواست و میل افراد عمل می‌کند، چه نوع حکومتی است؟
۱۵	از نظر ارسطو، اگر اقلیت، براساس فضیلت حکومت کند آن حکومت ..... است و اگر اقلیت براساس خواست و میل افراد حکومت کند آن حکومت ..... است.
۱۶	از نظر ارسطو ..... حکومتی است که یک فرد براساس خواست و میل فردی حکومت می‌کند.
۱۷	از نظر ارسطو «مونارشی» چه نوع حکومتی است؟
۱۸	از نظر فارابی «مدینه فاضله» چه نوع جامعه‌ای است؟
۱۹	ارسطو، چه حکومتی را «جمهوری» می‌خواند؟
۲۰	از نظر ارسطو، «دموکراسی» چه نوع حکومتی است؟
۲۱	ارسطو از شش نوع حکومت نام می‌برد، حاکمیت در این حکومت‌ها چگونه است؟
۲۲	نظام‌های سیاسی براساس دین‌مداری یا دنیا‌مداری چگونه عمل می‌کنند؟
۲۳	نظام‌های سیاسی، براساس روش تصمیم‌گیری، به چند گونه عمل می‌کنند؟
۲۴	حکومت‌ها براساس کمیّت افراد تأثیرگذار، به چند دسته تقسیم می‌شود؟
۲۵	نظام‌های سیاسی براساس چه ملاک‌هایی دسته‌بندی می‌شود؟ نام ببرید.
۲۶	در یک جهان اجتماعی نظام سیاسی چه اثری بر نظام فرهنگی دارد؟



۲۷	نظام فرهنگی در یک جهان اجتماعی، چه اثری بر نظام سیاسی دارد؟
۲۸	مجموعه سازوکارهایی که برای اعمال سیاست‌های جهان اجتماعی وجود دارد ..... را شکل می‌دهد.
۲۹	در یک جهان اجتماعی، در چه صورتی سیاست پدید می‌آید و سیاست در معنای عام خود چیست؟
۳۰	آیا در کشوری که فرهنگ عمومی مردم، فرهنگ دینی باشد، قدرت نامشروع می‌تواند مقبولیت داشته باشد؟



- ۱) بیکاری و فقر، طلاق، اعتیاد، رفتارهای ضدارزش‌های اسلامی در جامعه، تهاجم فرهنگی غرب (اشاره به یکی از این موارد کافی است).
- ۲) عرصه اقتصادی یا عرصه اجتماعی یا عرصه فرهنگی و محیط‌زیست یا عرصه سیاسی و دفاعی (اشاره به یکی از این موارد کافی است). (ص ۱۱۸)
- ۳) در آموزه‌های اسلامی، هنگامی که عبادات بعد اجتماعی وسیع‌تری پیدا می‌کنند، ارزش بیشتری می‌یابند. در برخی از روایات مسئولیت متقابل امت و امام به عنوان مهم‌ترین مسئولیت یاد شده است.
- ۴) اغلب این ارزش‌ها با آنکه ناظر به مسائل دنیوی هستند، تفسیری دنیوی و سکولار ندارند، بلکه سیرتی الهی و دینی دارند و به همین دلیل عمل به آن‌ها رفتاری صرفاً دنیوی نیست، بلکه یک وظیفه الهی است و سبب تقرب به خداوند می‌شود.
- ۵) عبودیت، عدالت، آزادی، استقلال، نفی وابستگی، نفی تسلط بیگانگان، امنیت، تأمین اجتماعی و تکافل عمومی، عقلانیت، مشورت و مشارکت در امور عمومی، توسعه معرفت و آگاهی.
- ۶) در نظام اسلامی احکام و مقررات با خواست مردم و در ذیل اراده و مشیت خداوند شکل می‌گیرند و عقل و وحی دو وسیله شناخت ارزش‌های الهی و احکام و مقررات اجتماعی هستند و انسان‌ها مسئولیت شناخت و اجرای آن را برعهده دارند.
- ۷) جمهوری اسلامی یا مردم‌سالاری دینی، نوعی نظام سیاسی است که در جهان اسلام مورد توجه امت اسلامی قرار گرفته است. عنوان جمهوری به معنای به رسمیت شناختن حضور مؤثر مردم در نظام سیاسی و کلمه اسلامی یعنی فعالیت مردم و نهادها بر مبنای عقاید و ارزش‌های اجتماعی اسلامی است.
- ۸) نوعی نظام سیاسی است که ادعا می‌کند با خواست و اراده مردم سازمان می‌یابد. هیچ حقیقت و فضیلت فطری و جهان شمولی را به رسمیت نمی‌شناسد و حکومتی این جهانی است. این نظام سیاسی با فرهنگ جهان غرب که رویکردی دنیوی به عالم هستی دارد، سازگار است.
- ۹) لیبرالیسم به معنای اباحت و مباح دانستن همه امور برای انسان‌هاست. دموکراسی به معنای حاکمیت مردم است.
- ۱۰) مبدله - فاضله - فاسقه - ضاله
- ۱۱) کرامیه (جامعه سرفرازی) - تغلبیه (جامعه زورگویی) - ضروریه (جامعه قناعت‌گرایی) - خست (جامعه خوش‌گذرانی) - جماعیه (جامعه آزادی) - یسار یا بداله (جامعه مال‌اندوزی)
- ۱۲) جاهلی
- ۱۳) دموکراسی
- ۱۴) آریستوکراسی - الیگارش
- ۱۵)

۱۶ تیرانی (استبدادی)

۱۷ حکومتی که یک فرد براساس فضیلت حکومت می‌کند.

۱۸ فارابی با افزودن ملاک نظام سیاسی براساس دین‌مداری یا دنیامداری، مدینه فاضله را جامعه‌ای الهی می‌داند که براساس سنت و قانون الهی شکل می‌گیرد. از نظر او حقیقت با اراده الهی تعیین می‌شود و با کمک عقل و وحی شناخته می‌شود.

۱۹ او حکومتی را که در آن اکثریت مردم براساس حقیقت و فضیلت حضور دارند، جمهوری (پولیتی) می‌خواند.

۲۰ ارسطو، حاکمیت اکثریت را در صورتی که بر مدار خواسته‌های آن‌ها باشد، دموکراسی می‌نامد. زیرا دموکراسی به معنای حاکمیت مردم است و در این نوع حاکمیت، مردم براساس خواسته‌ها و تمایلات خود حکومت می‌کنند.

۲۱ در سه نوع آن‌ها، حاکمیت یک فرد، یک اقلیت یا اکثریت بر مدار خواسته‌های نفسانی آن‌ها شکل می‌گیرد و در سه نوع دیگر حاکمیت یک فرد، یک اقلیت یا اکثریت بر مدار حقیقت و فضیلت استوار است.

۲۲ نظام سیاسی دینی بر مدار احکام و قوانین الهی سازمان می‌یابد. نظام سیاسی سکولار و دنیوی، فقط ارزش‌ها و آرمان‌های دنیوی و این جهانی را مدنظر قرار می‌دهد.

۲۳ حاکمان یا براساس خواسته‌ها و اغراض خود تصمیم می‌گیرند؛ یعنی هر نوع تصمیمی را برای خود جایز می‌دانند؛ یا آنکه بر مدار حقیقت و فضیلت و با موازین عقلی تصمیم می‌گیرند.

۲۴ به سه دسته:

الف) نظام‌ها و حکومت‌هایی که در آن تنها اراده یک فرد تأثیرگذار است.

ب) نظام‌هایی که تنها یک اقلیتی از مردم در آن تأثیر دارند.

ج) حکومت‌هایی که اکثریت مردم در سرنوشت سیاسی خود تأثیر گذارند.

۲۵ ۱- براساس کمیّت افراد تأثیرگذار ۲- براساس روش تصمیم‌گیری ۳- براساس دین‌مداری یا دنیامداری

۲۶ نظام سیاسی اگر به ارزش‌های فرهنگی جامعه وفادار بماند، با استفاده از مدیریت سیاسی خود، به بسط و توسعه فرهنگ کمک می‌کند و اگر از ارزش‌ها و آرمان‌های فرهنگی دور شود، زمینه تعارضات، تزلزل و بحران‌های فرهنگی و هویتی را پدید آورد.

۲۷ نظام فرهنگی عقاید، ارزش‌ها و اصول حاکم بر نظام سیاسی را تعیین می‌کند و اگر عملکرد نظام سیاسی در جهت عقاید و ارزش‌های فرهنگی جامعه باشد، نظام فرهنگی اقتدار نظام سیاسی را نیز تأمین می‌کند. اما اگر نظام سیاسی به دلایل داخلی و یا فشار عوامل خارجی، از اصول و ارزش‌های فرهنگی خود عدول کند، نظام فرهنگی اقتدار نظام سیاسی را کاهش می‌دهد.

۲۸ نظام سیاسی

۲۹ هرگاه قدرت برای رسیدن به هدفی معین سازمان پیدا کند، سیاست پدید می‌آید. زیرا سیاست اعمال قدرت سازمان‌یافته برای دستیابی به هدفی معین است. سیاست در معنای عام خود، شامل هر نوع تدبیر و سازمان دادن قدرت است.



در کشوری که فرهنگ عمومی مردم دینی باشد، تنها تبعیت از قدرت مطابق قانون الهی و حکم الهی است و اگر خلاف این باشد، قدرت نامشروع است و به حکم الهی بودن عموم مردم، این قدرت مقبولیت ندارد.

